



تعاملات اجتماعی

نویسنده: کارولین هالند و دیگران

مترجم: نجمه واحدی

فضای عمومی پیشرفته غالباً، با عنوان فضایی برای بزرگسالان، توصیف شده است؛ (ولنتاین، ۱۹۹۶) فضایی که در آن نگرش‌ها و آداب بزرگسالان جریان دارد، حال آنکه ادراک و اولویت‌های کودکان و جوانان به ندرت در آن نمایان است. به طور کلی، بزرگسالان غالباً از فضاهای عمومی در ایلزبری^۱ انگلستان استفاده می‌کردند، به‌ویژه آن‌هایی که در «سن کار» بودند. غیبت افراد مسن نیز، همان‌طور که در این فصل توضیح داده می‌شود، در زمان‌ها و مکان‌های خاص، قابل توجه بود. این فصل به فعالیت‌های گروه‌های حاشیه‌ای تر – افراد جوان‌تر و مسن‌تر و همچنین افرادی که از نظر اجتماعی به حاشیه رانده شده‌اند – و نیز به تعاملات درون و بین این گروه‌ها در میدان مشاهده می‌پردازد و مفاهیم مربوط به فضاهای عمومی را، به‌عنوان مکان‌هایی دربرگیرنده اعضای مختلف جامعه، بررسی می‌کند.

گروه‌های سنی مختلف در فضاهای عمومی

کودکان و خردسالان

به‌جز زمین‌های بازی معین، فضاهای عمومی در مقیاس بزرگسالان ساخته، و تجهیز شده است و پاسخگوی نیازهای آن‌هاست نه نیازهای خردسالان در سنین پیش‌دبستانی و دبستان؛ برای مثال، هنگامی که کودکان خردسال در آب‌نمای کینگزبری^۲ در هوایی صاف بازی می‌کردند، واکنش‌ها متفاوت بود:

«من دیروز آنجا نشسته بودم و روزی آفتابی بود، کودکی داشت درون آب‌نما می‌دوید و کاملاً خیس شد، اما چه کسی اهمیت می‌دهد؟» (مقام محلی)

«نگاه می‌کنی و با خود فکر می‌کنی که در این شهر چه خبر است؟ آن‌ها کودکانند. این برای آن‌ها جذابیت دارد؛ بله، آب و فواره مهیاست [با خود می‌گویند]، بسیار خوب، برویم در آب‌نما بازی کنیم، ولی این برای بازی نیست.» (کسبه محلی)

این نظرات نشان می‌دهد که نیازهای کودکان و جوانان، به‌عنوان یکی از پارامترهای تعیین‌کننده در طراحی فضای عمومی، مورد پذیرش جهانی قرار نگرفته است.

همان‌طور که انتظار می‌رفت، کودکان دبستانی یا کوچک‌تر به ندرت در مکان‌های عمومی بدون همراه دیده می‌شدند. در پارک ویل^۳، کودکان خردسال‌تر هرگز بدون همراه مشاهده نشدند و معمولاً، در گروه‌های خانوادگی یا گروه‌هایی از مهدکودک‌ها و گروه‌های بازی محلی، مراقبان آن‌ها را همراهی می‌کردند. آن‌ها عمدتاً از وسایل بازی و محوطه چمن کاری اطراف آن استفاده می‌کردند. هنگامی که گروه‌هایی از کودکان بزرگ‌تر و بزرگسالان وجود داشتند، کودکان کوچک‌تر از

¹ Aylesbury

² Kingsbury

³ Vale Park

آن‌ها دوری می‌کردند. کودکان خردسال به‌ندرت، در همان قسمتی از پارک که «می‌گساران خیابانی» حضور داشتند یا در زمین اسکیت، دیده می‌شدند. آن‌ها و والدینشان به‌ندرت از نیمکت‌های دوطرفه خانوادگی و زمین بازی کودکان دورتر می‌رفتند؛ شاید آن‌ها از گروه‌های دیگری در پارک، که ایشان را تهدیدی برای خود می‌پنداشتند، دوری می‌کردند. این در حالی است که بزرگسالان می‌گسار/بی‌خانمان/بیکار هرگز به سمت این نیمکت‌ها یا زمین بازی کودکان نمی‌رفتند.



پارک ویل: لذت بردن از اسباب‌بازی‌های جدید

در فضاهای عمومی، کودکان خردسال با مشاهده ظاهر و نحوه رفتار غریبه‌ها، نحوه تعامل مراقبان آن‌ها با غریبه‌ها و نیز نحوه رفتار در جمع می‌توانند درباره رفتار اجتماعی بیاموزند. سیاست‌های ابتکاری برای توسعه فضاهای عمومی یکپارچه باید شامل نیازهای خانواده‌ها و کودکان کوچک باشد تا بتوانند در زندگی عمومی شهر سهمی داشته باشند.

نوجوانان و جوانان

نوجوانان (سنین دبیرستان: در حدود ۱۱-۱۵ سال) و افراد جوان (حدود ۱۶-۱۹ سال) بیشتر از بزرگسالان در فضای عمومی در همه مکان‌ها و در طول زمان‌های مختلفی از روز در گروه‌های بزرگ جمع می‌شوند، به خصوص خارج از ساعات مدرسه و در تعطیلات. در نظرسنجی‌ها و مصاحبه‌ها، پاسخگویان عموماً از تجمعات نوجوانان و جوانان، به‌عنوان مشکلی در فضای عمومی، که می‌تواند دیگران را بترساند، یاد کردند و معتقد بودند که این تجمعات منشأ رفتارهای پرخطر و جنایات کوچک هستند. نمونه‌هایی از نقاط خاص پرتجمع، در مراکز خرید، زمین اسکیت و آلاچیق‌های اجرای موسیقی بود. جوانان هم تمایل داشتند در جمع‌هایی پرتعداد، داخل مراکز خرید، دور هم باشند. براساس گزارش حاضر، مشاهدات همچنین ریزجغرافیایی دقیق از مکان‌هایی را نشان داد که جوانان ترجیح می‌دادند آن‌ها را «پاتوق» کنند.

زمین اسکیت

در جریان مشاهدات، زمین مخصوص اسکیت در پارک ویل با دیوارنگاره‌های گروهی «رسمی» تزیین شد تا از نوع غیررسمی آن جلوگیری شود و در طی دوره مشاهدات، دست نخورده باقی ماند. در خارج از ساعات مدرسه و در تابستان، گروه‌هایی از نوجوانان کم‌سن‌وسال‌تر از این زمین اسکیت بسیار استفاده می‌کردند. این عده برای استفاده از رمپ منتظر نوبت می‌ماندند یا، زمانی که واقعاً شلوغ می‌شد، هم‌زمان از رمپ‌ها استفاده می‌کردند؛ درحالی که گروه‌های دیگر روی نیمکت‌های مجاور یا اطراف آن، بدون کوچکترین تنش و درگیری، گپ می‌زدند. محققان نظاره‌گر گاهی از آنچه مشاهده می‌کردند شگفت‌زده می‌شدند:

«کسانی که در زمین اسکیت بودند [در تعامل با محققان] نسبتاً فصیح و مشتاق بودند و هرگز از محققان هراسی به دل راه نمی‌دادند. این مایه‌ی تعجب است چرا که آن‌ها ظاهراً خیلی بدعق و آشفته‌اند.»

«جوانان در زمین اسکیت باهوش بودند و به پروژه، دنیا و امکاناتی که ارائه می‌شد اشتیاق نشان می‌دادند؛ آن‌ها چیزهای زیادی در مورد اتفاقات روز می‌دانستند و به‌طور کلی در مورد چیزهای مختلف نگرشی مثبت و پذیرا داشتند که موضوعی شگفت‌آور بود.»



پارک ویل: در زمین اسکیت

بالین حال، از مصاحبه با این جوانان و کسبه محل، به‌نظر می‌رسد که مشکلاتی بین آن‌ها و سایر گروه‌های جوان وجود دارد؛ به‌خصوص در اواخر روز، زمانی که افراد کمتری در پارک حضور دارند. یک شاهد محلی گفت:

«پارک تاریک بود و هیچ چراغی وجود نداشت و تعدادی از جوانان در آنجا دردسر ایجاد می کردند؛ انگار از پارک به محله کینگزبری آواره شدند. این روشی است که به همه بگویند که ببینید ما در کینگزبری هستیم، زیرا کسی در پارک از ما مراقبت نمی کند.»

هنگامی که کینگزبری، در زمستان سال ۲۰۰۴، بازگشایی شد، اسکیت بردسواران یکی از مشتریان پروپاقرص آن بودند و تعداد کمی از جوانان — و گهگاهی بزرگسالان — در مرکز شهر در حال اسکیت سواری دیده می شدند، به ویژه اواخر بعد از ظهر، اوایل شب و در سایر مکان های آرام. اسکیت بازها گاهی اوقات شهر را زیر چرخ های اسکیت خود می گرفتند و از دیوارهایی در شهر به عنوان سکو استفاده می کردند.

آلاچیق های اجرای موسیقی

دو آلاچیق اجرای موسیقی مشاهده شده است: یکی در پارک ویل، واقع در نمای زمین اسکیت و باغ های رسمی؛ دیگری در فرفورد لیس^۴ در میدان اصلی.

در آلاچیق های موسیقی پارک ویل، گروه هایی از جوانان — برخی با لباس مدرسه — و گاهی زوج های جوان دور هم جمع می شدند. موقعیت مرتفع آن به پارک منظره خوبی می داد و پناهگاهی در برابر باران فراهم می کرد. در اینجا، جوانان می توانستند ببینند چه کسی به آن ها نزدیک می شود و با وجودی که در مکانی بسیار عمومی بود، می توانستند فضایی نسبتاً خصوصی داشته باشند. دختران و پسران کوچک تر از جایگاه موسیقی برای صحبت کردن، خوردن، نوشیدن و سیگار کشیدن استفاده می کردند. این را می توان، به عنوان شکلی از رفتار قلمرو خواهانه^۵ در یک مکان غیر رسمی، درک کرد که در آن یک گروه مالکیت خود را توسعه می دهد، احساس امنیت می کند و قادر به حفظ درجه ای از حریم خصوصی است. (آلتمن، ۱۹۷۵)



پارک ویل: آلاچیق موسیقی

^۴ Fairford Leys

^۵ در علم جانورشناسی، به شیوه هایی اطلاق می شود که به واسطه ی آن ها یک حیوان یا گروهی از حیوانات از قلمروی خود، در برابر مزاحمت های دیگر گونه های جانوری، محافظت می کند. - م



از سوی دیگر، آلاچیق موسیقی در فرفوردر لیس، چون ممیزه‌ی خیابانی بلندبالایی در موقعیتی برجسته، بسیار بیشتر در معرض دید قرار داشت. افرادی که از آن بهره می‌بردند توجه هر عابری را به خود جلب می‌کردند. جوانان در گروه‌های دو و سه‌نفره زمان زیادی را صرف نشستن در اطراف این آلاچیق اجرای موسیقی می‌کردند و اغلب زباله‌ها و باقیمانده فست‌فود خود را آنجا می‌ریختند. جز عابران، این جوانان اغلب تنها افرادی بودند که در طول روز از این مکان استفاده می‌کردند. در شب، گاهی اوقات تعداد بسیار بیشتری از این جوانان در اطراف جایگاه موسیقی تجمع می‌کردند و با سروصدایشان باعث آزار مردم ساکن در آپارتمان‌های اطراف میدان می‌شدند. آلاچیق‌های موسیقی نشان از خرابکاری داشتند: دیوارنگاره‌ها، آسیب‌های ناشی از اسکیت‌بردها و دوچرخه‌ها و ریشه‌های پاره‌شده چراغ‌های کریسمس. این بار هم ساکنان محلی این آسیب‌ها را به جوانانی که از شهرک‌های مسکونی همجوار وارد شده بودند نسبت دادند.

در مصاحبه‌ها، جوانان گفتند که در آلاچیق موسیقی نشسته‌اند، زیرا در فرفوردر لیس کار دیگری برای انجام‌دادن نیست. از این نظر با آلاچیق موسیقی پارک ویل، که مکانی برای ملاقات بود، تفاوت داشت. اتفاق نظری وجود داشت که این آلاچیق موسیقی یک اشتباه پرهزینه و شاید پیش‌بینی‌پذیر بوده است؛ همان‌طور که یکی از مقامات محلی می‌گوید:

«همه مغازه‌هایی که اینجا هستند کمک می‌کنند تا آلاچیق موسیقی پابرجا بماند؛ مشاجرات فراوان باعث شد که ساخت آن یک سال طول بکشد، اما، از آن زمان، بچه‌ها با اسکیت‌بردها و دوچرخه‌های بی‌ام‌ایکس‌شان آن را خراب کرده‌اند و هزاران هزار پوند هزینه برداشته‌است. ما سعی می‌کنیم آن را درست کنیم، زباله‌ها را برداریم و آنجا را مرتب کنیم... این هم مانند همه صحنه‌های موسیقی در تاریخ است.»

مراکز خرید

آخر هفته‌ها و در تعطیلات، گروه‌های زیادی از جوانان در مرکز شهر و مراکز خرید نیز جمع می‌شدند. هنگامی که به جمعیت بزرگی تبدیل می‌شدند، افراد دیگری که در کنار آن‌ها راه می‌رفتند یا به‌دنبال جایی برای نشستن بودند، به شکل قابل توجهی فاصله بین خود و این جوانان را حفظ می‌کردند. در میدان فرایرز^۶، قبل از اینکه مأمورهای حراست، که در مرکز گشت‌زنی می‌کردند، جوان‌ترها را پراکنده کنند، گاهی در نزدیکی آب‌نما جمع می‌شدند؛ جایی که فضایی برای تجمع وجود داشت. گروه‌های کوچک‌تری از جوانان — و گاهی اوقات کودکان — گاهی در اطراف ورودی پشتی ناخوشایند میدان فرایرز^۷ بی‌هدف پرسه می‌زدند؛ جایی که، مانند خریداران و کارکنان بزرگ‌سال، می‌توانستند بدون مزاحمت سیگار بکشند. در والتون کورت^۸، نوجوانان و جوانان از فضای مرکزی برای ملاقات با دوستانشان استفاده می‌کردند. در طول سال، به‌ویژه در بعدازظهرها و عصرهای تابستانی، فضای منطقه خرید را به طرز چشمگیری گروه‌هایی از جوانان کنترل می‌کردند. آن‌ها گاهی، به‌جای زمین بازی، در مناطق خرید توپ‌بازی می‌کردند یا گه‌گاه از چرخ دستی‌های خرید، به‌جای اسکیت‌بورد، استفاده می‌کردند و با آن‌ها ویراژ می‌دادند. مثل بزرگ‌ترهانشان، روی نیمکت می‌نشستند، سیگار می‌کشیدند و با موبایل صحبت می‌کردند. «مغازه‌های ماهی و سیب‌زمینی سرخ‌شده»^۸ و مغازه‌های مشروب‌فروشی اوایل غروب مردم را جذب

⁶ Friars Square

⁷ Walton Court

⁸ fish and chip shop

می کردند - مخصوصاً می گساری زیر سن مجاز - مگر اینکه هوا بد می شد و عصرها تا شب، در این منطقه روال همین بود. عصرها، گاهی اوقات، گروه های جوانان بسیار بزرگ و پر تعداد می شدند (۲۰ نفر یا بیشتر) و به این ترتیب تهدید به نظر می آمدند و برخی از بزرگسالان را از رفتن به منطقه خرید منصرف می کردند.

در والتون کورت، جوانان عمدتاً ساکنان همان محله بودند و در فضای باز، که مالکیت عمومی داشت، با یکدیگر ملاقات می کردند. در میدان فرایرز، جوانان از نقاط مختلف شهر و در یک مکان سرپوشیده تحت مالکیت خصوصی و تحت نظارت گرد هم می آمدند. هیچ یک از این فضاها برای این نوع استفاده طراحی نشده اند، اگرچه وجود مغازه ها و سایر امکانات رفاهی ممکن است، به اندازه بزرگسالان، جوانان را نیز جذب کند. این گروه هم آمدن ها و تعاملات اجتماعی جوانان در این مکان ها را می توان بخشی از فرآیند شکل گیری هویت جوانان دانست. این طور به نظر می رسید که تمرین جامعه پذیری، مانند گپ زدن، گیر دادن به بعضی اعضای یک گروه هم سالان، تحت تاثیر قراردادان دیگران، مثلاً با مهارت های اسکیت بازی یا شاید سیگار کشیدن و می گساری، در مکان ها و زمان هایی خاص انجام می شد. از این نظر، تصاحب فضاها و زمان های خاصی از شبانه روز بخشی از فرآیندی است که طی آن جوانان «مکان» خود را در جهان پیدا می کنند. بسیاری از جوانان به فضاهایی نیاز دارند تا بتوانند دور هم جمع شوند و مهارت های اجتماعی خود را در گروه هم سالان خود در زمینی بی طرف تمرین کنند. برای این افراد جوان، پناهگاهی در فضاهای عمومی فراهم شده است؛ جایی مثل اطراف مراکز محله، که در دسترس هستند، در باران خشک می مانند و سرپناه اند و شاید از همه مهم تر به خوبی روشن هستند و در شب نسبتاً ایمن اند، یا جایی مثل پارک ها که در آن، همان طور که گفته شد، ممکن است به ندرت ساکنان تحت نگاه نظارتی بزرگسالان یا پرسنل امنیتی قرار بگیرند. کسانی که به این مناطق رفت و آمد می کردند، در این مورد گفتند که چگونه عنصر انزوا یا جدایی را برای خود حفظ می کردند؛ در حالی که هم زمان درجه بالایی از امنیت را، در برابر تهدید دیگرانی که خطرناک به نظر می رسیدند، نیز فراهم می آوردند، به ویژه به این علت که جوانان در گروه احساس امنیت بیشتری دارند؛ با این حال، در حالی که این جوانان را اغلب بزرگسالان مزاحم در نظر می گرفتند، مشاهدات نشان می دهد که بیشتر اوقات این گروه ها خودگردان و عموماً ملایم و بی خطر بودند.



والتون کورت: کنار مغازه ها



پارک

درحالی که بسیاری از جوانان در گروه‌های تک‌جنسیتی و از نظر قومی همگن بودند، مشاهده‌کنندگان به نمونه‌های زیادی از گروه‌های مختلط و تعاملات بین گروه‌ها اشاره کردند. در پارک، درحالی که اکثر افراد سفیدپوست بودند، اقلیت قابل توجهی از جوانان و مردان جوان آسیایی درمیان افراد عادی وجود داشت. سابقه تنش بین گروه‌های سفیدپوست و رنگین‌پوست و جوانان آسیایی در این منطقه بوده‌است، اما، در طول دوره‌های مشاهده، آن‌ها بیشتر اوقات از یکدیگر دوری می‌کردند و ظاهراً غرق در بازی‌ها یا گفت‌وگوهای خود بودند. گاهی یک یا دو جوان به گروه دیگری می‌رفت و چند کلمه ردوبدل می‌کرد، به‌خصوص با فردی از جنس مخالف. گاهی گروه‌هایی متشکل از ۱۰ مرد جوان آسیایی (حدوداً ۱۶—۲۲ساله) در پارک جمع می‌شدند. هنگام مصاحبه، یکی از این گروه‌ها شامل افرادی از خارج از شهر بود که، دور از چشم خانواده‌های خود و برای ملاقات با دختران، آمده بودند. افسری از مقامات محلی جوانان آسیایی را، که به همین دلایل از شهر دور می‌شوند، این‌طور توصیف می‌کند:

«ببینید ویل یک پارک محلی است؛ بنابراین این افراد را احتمالاً گروه هم‌سالانشان یا والدین یا عموها، خاله‌ها، پدربزرگ و مادربزرگ و یا... می‌بینند و آن‌ها نمی‌خواهند بد به‌نظر برسند». مصاحبه‌کننده: «پس آن‌ها از مرکز شهر خارج می‌شوند؟»
- «از شهر خارج می‌شوند. کاملاً از شهر خارج می‌شوند.»

به‌جای ممنوعیت تجمع جوانان در اماکن عمومی، تأکید ما باید بر آگاه‌سازی مردم درمورد تعاملات اجتماعی در فضای عمومی باشد؛ برای مثال، به افراد مسن و سایر بزرگسالان می‌توان درمورد جنبه‌های مربوط به فرهنگ جوانان تصویری ارائه داد تا ترس بی‌مورد آنان را از بین ببرد و شاید کمک کند تا علل واقعی نگرانی خود را دریابند. درحالی که جوانان می‌توانند بیاموزند که چرا حضور آن‌ها می‌تواند افراد مسن را ناراحت و نگران کند و به این فکر کنند که چگونه به شیوه‌ای غیر تهدیدآمیز با دیگران تعامل داشته باشند؛ مثلاً از طریق وضعیتشان و استفاده از زبان بدن.

افراد مسن

یک یافته قابل توجه این بود که تا چه حد افراد مسن در این مطالعه، در جایگاه مصاحبه‌شونده یا در مشاهده‌ها، خود را طردشده می‌دانستند یا به‌نظر می‌رسید که با جدیت خود را برای مدتی طولانی از فضاهای عمومی جدا می‌کنند. این به آن معنا نیست که همه افراد مسن تا این حد طرد شده بودند. برخی از آن‌ها، از جمله برخی از خود محققان، کاربران فعال مرکز شهر بودند، اما یافته‌ها به‌وضوح نشان می‌دهد که بسیاری از افراد با سن بالا تمایلی به استفاده کامل از فضاهای عمومی ندارند یا قادر به استفاده از این فضاها نیستند. برای نمونه، زمانی که بازارهای اواسط هفته در میدان شهر برگزار می‌شد، اوایل روز افراد مسن‌تر به تعداد نسبتاً زیادی در شهر و در مراکز خرید حضور داشتند و یا تنها یا دوتایی اغلب قبل از ساعت ۱۰ صبح می‌رسیدند. آن‌ها تقریباً همیشه به‌تنهایی یا دوتایی در مرکز شهر حرکت می‌کردند و گاهی اوقات نیز برای صحبت با دیگران توقف می‌کردند، اما به‌ندرت در گروه‌های بزرگ‌تر جمع می‌شدند؛ با این حال، حدود ساعت ۴ بعدازظهر، تعداد افراد مسن به مراتب کمتر بود و پس از بسته‌شدن مغازه‌ها آن‌ها به‌ندرت در مرکز شهر دیده می‌شدند. افراد مسن، به‌ویژه زنان

مسن، بیشتر آخر هفته‌ها در گروه‌های چند نسلی، زمانی که خانواده‌ها برای خرید بیرون می‌آمدند، دیده می‌شدند. زمانی که آن‌ها در مرکز شهر بودند و افراد جوان کمتری حضور داشتند، افراد مسن به بسیاری از کافه‌ها رفت‌وآمد می‌کردند. میدان فرایرز مکان‌هایی نیز دارد که افراد مسن می‌توانند در فضای داخلی، که در مقابل عوامل محیطی محافظت شده‌است، با نور خوب و احساس امنیت در حضور پرسنل و مأموران حراست حضور داشته باشند. هنگامی که هوا خوب و مساعد بود، از نیمکت‌های بیرون در میدان شهر و خیابان بالا نیز افراد مسن زیاد استفاده می‌کردند که اغلب با کیسه‌های خرید می‌نشستند و در مسیر ایستگاه اتوبوس یا پارکینگ، استراحت می‌کردند.



میدان شهر: نیمکت‌های اطراف مجسمه‌ها

افراد مسن‌تر نیز در والتون کورت دیده می‌شدند، اما آن‌ها در فرفورد لیس کمتر بودند و در پارک ویل به ندرت حضور داشتند. مشاهدات نشان می‌دهد که افراد مسن به حضور دیگران در مکان‌های عمومی بسیار حساس هستند. آن‌ها مایل‌اند در مناطقی که نوجوانان و جوانان از آن‌ها زیاد استفاده می‌کنند، حضور نداشته باشند. طبق داده‌های نظرسنجی، آن‌ها از مکان‌هایی که تاریک یا متروک بودند دوری می‌کردند. افراد مسن فقط با حضور پلیس یا دیدن پرسنل امنیتی از حضور در مکان‌های عمومی اطمینان می‌یافتند و از حضور در مکان‌های عمومی‌ای که در آن جرایم کوچک و بی‌نظمی‌هایی رخ می‌داد و یا صندلی کافی، روشنایی و امکاناتی چون توالت و سرپناه نداشت اجتناب می‌کردند. علاوه بر این آن‌ها گفتند که از ماجراجویی شبانه در ایلیزبری اجتناب می‌کنند و قطعاً به مرکز شهر نمی‌روند. این یافته‌ها نتایج مطالعات دیگر را نیز تأیید می‌کند. (نگاه کنید به پیس و همکاران، ۲۰۰۶)

افراد مسن در عمل از استفاده‌ی تمام‌عیار از مکان‌های عمومی، به‌ویژه پس از تاریکی هوا، به‌علت امکانات و وسایل نقلیه ناکافی، نگرانی‌های امنیتی و به‌طور کلی فقدان فعالیت‌ها یا مکان‌هایی جالب در فضای عمومی، که براساس ترجیحات آن‌ها تنظیم شده باشد، مأیوس می‌شوند. حضور آن‌ها در یک اقتصاد بسط‌یافته یا «۲۴ساعته» به ابتکارات مثبت، هم از سوی مقامات محلی و هم از سوی مشاغل محلی، نیاز دارد.

تعامل

منزلت اجتماعی و حاشیه‌نشینی

درحالی‌که جوانان و بزرگ‌سالان در بسیاری از گروه‌های اجتماعی مختلف به‌طور منظم از مناطق مرکز شهر استفاده می‌کردند، در نحوه استفاده افراد متعلق به طبقات اجتماعی مختلف از فضاها تفاوت‌هایی دیده می‌شد. مثلاً، افراد مسن‌تری که مشاهده‌کنندگان افرادی «خوش‌پوش‌تر» توصیفشان می‌کردند، بیشتر از کافه‌های مراکز خرید استفاده می‌کردند و کمتر روی نیمکت‌های میدان شهر می‌نشستند. افراد جوان‌تر تا حدودی در گروه‌هایی گرد هم می‌آمدند که دارای یک عنصر مشترک مثل طبقه یا هویت فرهنگی خاصی بود، برای نمونه دانش‌آموزان دبیرستان، اسکیت‌بازان مجرب‌تر، گوت‌ها، «شهرکی‌ها». همه این گروه‌ها از مناطق مرکز شهر از جمله پارک استفاده می‌کردند، اما فقط گروه‌های «فقیرتر» (اسکیت‌بازان و «شهرکی‌ها») مرتباً در والتون کورت یا فرفورد لیس دیده می‌شدند. برخی از ساکنان فرفورد لیس اظهار داشتند که بیشتر نوجوانان «محلی»، به‌جای پرسه بیهوده در خیابان‌ها، می‌خواهند در خانه یا در فعالیت‌های سازماندهی شده مشغول باشند.

در مقابل، یک گروه قابل شناسایی دیگر، که مشاهده شد، گروهی کوچک شامل ده‌ها نفر در اطراف شهر بود که مشاهده‌کنندگان آن‌ها را به‌عنوان بی‌خانمان، بیکار و یا می‌گسار خیابانی شناسایی می‌کردند و یا آن‌ها خودشان را این‌طور هویت‌یابی می‌کردند. اعضای این گروه، پس از اینکه از کینگزبری با شغل بازسازی به آنجا نقل مکان کردند، در کنار کانال و روی نیمکت‌های منطقه رسمی باغ پارک ویل جمع شدند. نگهبان پارک این گروه را زیرنظر داشت و آن‌ها، وقتی او را در اطراف می‌دیدند، زباله‌های منطقه «خود» را مرتب می‌کردند.

^۹ خرده‌فرهنگ گوت خرده‌فرهنگی معاصر است که در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ در بریتانیا متولد شد و یکی از شاخه‌های سبک پُست-پانک در موسیقی راک به‌شمار می‌آید. افراد

متعلق به این خرده‌فرهنگ از موسیقی و مد خاصی پیروی می‌کنند. - م



کانال: فردی که مرتب به کانال می‌آید و همیشه آنجاست

نکته طنزآمیز درباره این گروه این است: درحالی که منطقه مرکز شهر کینگزبری با حذف مشروبات الکلی در طول روز «پاکسازی» شده بود، شب‌هنگام تحت سلطه می‌گساری عمومی‌ای بود که با میخانه‌ها و کلوپ‌ها و ترافیک میان آن‌ها در ارتباط بود. هنگام مصاحبه، گروه می‌گساران خود را «محافظان پارک» توصیف کردند و استدلال کردند که آن‌ها باید برای اطمینان دادن به دیگران حضور داشته باشند، زیرا حضورشان به این معنی است که پارک متروک نیست و آن‌ها می‌توانند به نگهبان پارک کمک کنند تا حواسش به دردسرها باشد؛ دردسرهایی که شامل دامنه‌ای از فعالیت‌های وحشت‌آفرین می‌شد از جمله کارهای جوانان بدرفتار و فروشندگان مواد مخدر و کودک‌آزارانی که از توالت‌ها استفاده می‌کردند. اگرچه به دیدگاه و استدلال آن‌ها سایر کاربران پارک اعتراض کردند.

این مطالعه تنها می‌تواند شامل بخشی از مکان‌های قابل دسترس عموم در ایلزبری باشد. مکان‌های دیگری نیز وجود داشتند که با مکان‌های مشاهده‌شده، از نظر اینکه چه کسی و چه زمانی از آن‌ها استفاده کرده بود، مرتبط بودند. مثلاً، سایر می‌گساران خیابانی و مصرف‌کنندگان مواد مخدر و برخی از جوانان دیگر را به این می‌شناختند که به یک فضای عمومی در بخش قدیمی شهر و نزدیک به مرکز رفت‌وآمد می‌کردند. این منطقه در طول روز مانند یک مکان معمولی برای بازی و استراحت برای ناهار استفاده می‌شد. همچنین این مکان به محل مهمانی‌های غیررسمی بزرگ، به‌ویژه در شب‌های جمعه در تابستان، شهرت داشت و می‌گفتند که جوانان عمدتاً سفیدپوست برای جلوگیری از رویارویی با جوانان آسیایی در پارک ویل به این مکان می‌آمدند.^{۱۰}

راندن و پراکنده کردن افراد به حاشیه‌رانده شده مانند می‌گساران خیابانی، به جای حل مشکل، آن‌ها را آواره می‌کند. با حمایت دولت مرکزی، سیاست محلی نیاز به خلاقیت و همراهی در مدیریت دارد، به جای اینکه مردم را بدون دلیل خاصی از استفاده از یک منطقه منع کند.

^{۱۰} ماهیت مشارکتی روش‌های تحقیق تأکید زیادی بر ایمنی مشاهده‌کنندگان محلی داشت. علاوه بر این، از آنجایی که مشاهده‌کنندگانی در نظر گرفته شده بودند که به چشم نیابند و شناخته نشوند، انتظار ورود ناظران به این منطقه از شهر نامناسب تلقی شد؛ حتی حضور آن‌ها در طول روز ممکن است باعث سوءظن شده باشد.

اختلاط اجتماعی

هم افراد مسن هم جوانان اغلب با افراد هم‌سن‌وسال خود تعامل داشتند، مثلاً برای ملاقات و احوال‌پرسی، اما به‌غیر از گروه‌های خانوادگی و افراد مسن‌تر همراه با فرزندان خردسال — که طبق تصور مشاهده‌کنندگان احتمالاً نوه‌هایشان هستند — موارد کمی وجود داشت که تعامل واقعی بین افراد مسن و نوجوانان یا جوانان دیده می‌شد؛ البته ممکن بود به افراد مسن بعد از سکندری خوردن یا برای باز نگه‌داشتن در کمک شود، اما عموماً، در مواردی که افراد مسن و جوانان هم‌زمان در یک مکان بودند، ترجیح می‌دادند یکدیگر را نادیده بگیرند یا از یکدیگر دوری کنند. معمولاً، اگر صندلی دیگری در دسترس بود، آن‌ها در کنار یکدیگر نمی‌نشستند.



میدان فریرس: نشستن بداهه درعین رعایت فاصله

به همین ترتیب، مشاهدات بسیاری از نمونه‌های دیگر را از گروه‌هایی نشان داد که شامل افرادی با بیش از یک پیشینه قومی بودند، اما مشاهده گروه‌هایی که فقط از یک قوم تشکیل شده بودند و اندازه‌های مختلفی داشتند بسیار رایج‌تر بود. گروه‌های آسیایی عمدتاً مرد بودند، اگرچه برخی از گروه‌ها که از مراکز خرید، به‌ویژه در یکشنبه‌ها، استفاده می‌کردند شامل افرادی از سنین مختلف می‌شدند که زنان آسیایی را نیز در برمی‌گرفت. گروه‌های کوچکی از زنان منحصراً جوان آسیایی نیز در مرکز شهر دیده می‌شدند، اما به‌ندرت در پارک ویل حضور داشتند. گروهی از مردان میان‌سال و مسن آسیایی روی نیمکت‌های بالای میدان مرتب با یکدیگر ملاقات می‌کردند و در آنجا درنگ می‌کردند؛ همچنین در نواحی مرکز شهر، مردان و پسران در هر سنی در گروه‌های سیال یکدیگر را می‌دیدند.

درحالی‌که افراد جوان مرتباً در گروه‌های بزرگ و متفاوت با هم ملاقات می‌کردند، تعجب‌برانگیز نبود که معاشرت افراد مسن‌تر عمدتاً با یک فرد یا یک زوج باشد؛ آن‌ها شاید با فرد یا زوج مسن‌تر دیگری ملاقات می‌کردند. افراد مسن، حتی بیشتر از سایر بزرگسالان، طوری رفتار می‌کردند که انگار گروه‌های بزرگی از جوانان مانعشان شده‌اند؛ اگرچه، در حضور



پرسنل امنیتی یا پلیس و در نور روز، آن‌ها عموماً می‌توانستند هم‌زیستی با دیگران را مدیریت کنند. در مقابل، در تمام گروه‌های سنی افراد درمورد فعالیت‌های بزرگسالان — عمدتاً مردان جوان — که می‌گفتند مشروب نوشیده، یا مواد مخدر مصرف کرده‌اند، ابراز نگرانی می‌کردند و به میل خود، از رفتن به مکان‌هایی که ممکن بود با آن‌ها برخورد کنند، به‌ویژه پس از تاریکی هوا، اجتناب می‌کردند.

سیاستی که شمول عام را در مکان‌های عمومی دنبال می‌کند باید به این نکته توجه کند که چگونه الگوهای معاشرت ممکن است بین گروه‌های سنی مختلف متفاوت باشد.

مقررات و خودتنظیمی

مراکز خرید کنترل‌شده‌ترین، برنامه‌ریزی‌شده‌ترین و قاعده‌مندترین فضاهای «عمومی» در مرکز شهر هستند. در این مراکز، قوانین و مقررات، موارد امنیتی و دوربین مداربسته برای اطمینان از اینکه همه رفتار مناسبی داشته باشند وجود دارد. در طول مشاهدات، پرسنل امنیتی با لباس فرم به تعداد زیاد به چشم می‌خوردند و مدیران مرکز خرید حضور آن‌ها را ضروری می‌دانستند. به‌نظر می‌رسد حضور مداوم پرسنل امنیتی در مرکز خرید بر رفتار کاربران تأثیر می‌گذارد و مشاهده‌کنندگان شاهد بی‌نظمی‌های بسیار کمی بودند. گاهی اوقات کودکان یا جوانان با کفش اسکیت یا تخته‌اسکیت از میان مرکز خرید عبور می‌کردند و به‌ناچار پرسنل امنیتی آن‌ها را به سمتی هدایت و محدود می‌کردند. برای پرسنل امنیتی، «بچه‌ها» مشکل اصلی بودند، به‌ویژه در طول تعطیلات طولانی مدرسه در تابستان. وقتی با آن‌ها مصاحبه شد، آن‌ها احساس می‌کردند که جوانان در مرکز خرید به‌مثابه جایی رفتار می‌کنند که صرفاً برای دورزدن و آزار و اذیت است. بسیاری از جوانان ادعا کردند که پرسنل امنیتی آن‌ها را، به‌علت سنشان از مرکز خرید، بیرون کردند، حتی زمانی که هیچ آسیبی نمی‌رسانند؛ در نتیجه، بسیاری از جوان‌ترها مکان‌های جایگزینی را در سراسر شهر برای پاتوق کردن پیدا کرده بودند، به‌ویژه پارک‌ها، مانند پارک ویل و مراکز محله، مانند والتون کورت، اما تجمع جوانان و دیگر گروه‌های حاشیه‌نشین در دیگر فضاهای عمومی تنها به‌علت رانده‌شدن اجباری آن‌ها نیست. برخی مناطق نیز جاذبه‌های خاصی را در ملاقات با دوستان به گروه‌های مختلف ارائه می‌کردند، مثلاً احساس امنیت یا مزاحم‌نشدن نیروهای امنیتی یا پلیس.

ما، درمورد اینکه چرا آن‌ها به اینجا می‌آیند، صحبت می‌کنیم. آن‌ها می‌گویند اینجا جایی است که می‌توانند بیابند؛ اینجا «مثل مکانی برای آن‌ها» است. آن‌ها افراد زیادی را می‌شناسند که به پارک می‌آیند و اینجا احساس امنیت می‌کنند. حدود ساعت ۱۱، می‌رسند و ساعت ۸، اینجا را ترک می‌کنند. هرچند که می‌روند و «در شهر»، احتمالاً، در رستوران مک‌دانلد یا کی‌اف‌سی، غذا می‌خورند. اگرچه گروه‌های مختلف زیادی در پارک وجود دارد، آن‌ها به مست‌ها و جوانان آسیایی از بالای رمپ‌های اسکیت از بالا نگاه می‌کنند؛ این گروه‌ها «هرگز با هم مخلوط نمی‌شوند.» به‌نظر آن‌ها این «عجیب» است. می‌پرسم چرا این اتفاق می‌افتد؟ می‌گویند چون ایلزبری پارک‌های زیادی ندارد؛ همه بلاید با هم ترکیب شوند؛ درحالی‌که در جاهای دیگر پارک‌های مختلف زیادی وجود دارد و اگر ندانید به کدام منطقه بروید، ممکن است خطرناک باشد. (یادداشت‌هایی از مصاحبه با سه مرد جوان، زمین اسکیت در پارک ویل، ۱۱ سپتامبر، ۱۷:۰۰)



به شکل‌های مختلفی، مقررات فاصله‌گذاری اجتماعی در سراسر شهر مشاهده شد، از خودتنظیمی، که در آن افراد از تماس چشمی با غریبه‌ها در میدان بازار اجتناب می‌کردند، یا جایی که افراد و گروه‌های کوچک روی نیمکت‌های خاصی در مرکز شهر می‌نشستند تا مقررات تحمیلی که در آن گروه‌ها از یک مکان به جای دیگری رانده می‌شدند: می‌گساران از کینگزبری به پارک ویل و سپس از آنجا به جای دیگر. بسیاری از مشاهده‌کنندگان و برخی کاربران پارک در مورد تفکیک گروه‌های مختلف در پارک ویل صحبت کردند.

مقررات در پارک ویل

بیشتر گروه‌های بزرگ‌تری که در پارک دیده شدند «عادی» بودند و با سایر کاربران عادی و با نگرهبان پارک آشنا بودند. آدم‌ها به یک مکان خاص در پارک جذب می‌شوند، اگرچه هر بار این مکان یکسان نیست. برخلاف مشترک شدن زمین اسکیت و محل بازی کودکان با دیگران و نوبت‌دادن در آن دو، در بقیه پارک‌ها این گروه‌ها از سهمیم‌کردن دیگران در فضای مشابه اجتناب می‌کنند. اگر برای یک نقطه از پارک به نظر می‌رسید که ممکن است رقابت وجود داشته باشد، معمولاً یک گروه جای خود را به گروه دیگر می‌داد و به قسمت دیگری از پارک می‌رفت:

در زمین بازی: چند نوجوان بزرگ‌تر، شامل چهار پسر و یک دختر، در کنار تاب‌ها مشغول‌اند؛ سیگار می‌کشند و چیزی می‌خورند. گروهی دیگر، شامل ۲ پسر (لات و خیابانی)، روی یک نیمکت نشسته‌اند؛ آیا آماده رفتن‌اند؟ اینجا انزوای گروه‌ها وجود دارد. دختر اسکیت‌باز با خانواده (یک مرد و زن بزرگسال با همین دختر) به پارک بازی وارد شد. او رفت که با یکی از وسیله‌ها بازی کند. چشم بزرگ‌ترها دنبال او نیست. دو پسر لات و خیابانی با ورود خانواده پارک را ترک کردند. گروهی از اسکیت‌بازان حرکت کردند و روی چارچوب بازی نشستند. از آن هم بالا می‌رفتند. [...] روی نیمکت‌ها مردان (چهار مرد) نشسته‌اند و می‌نوشند (مست هستند). آن‌ها نسبتاً بلند صحبت می‌کنند. سیگار می‌کشند و زیاد تف می‌کنند. ناپه‌نجا به نظر می‌رسند: شلوار جین پاره پوشیده‌اند، پیراهن‌هایشان کثیف به نظر می‌آید و ... (پارک ویل، ۱۳:۰۰-۱۳:۴۰، ۱۸ دسامبر)

به‌طور کلی، پارک یک فضای مجزای اجتماعی است که در آن گروه‌های مختلف به‌ندرت با هم ترکیب می‌شوند؛ برای نمونه، در روزهای گرم تابستان، در جاهای مختلف پارک، گروه‌های مختلفی دیده می‌شدند: می‌گساران در اطراف نیمکت‌ها، دانش‌آموزان سال‌های بالاتر در اطراف زمین‌های چمن، تقریباً فقط نوجوانان سفیدپوست در زمین اسکیت، پسران نوجوان آسیایی در زمین‌های بسکتبال، بزرگسالان و گاهی نوجوانان در زمین تنیس، پسران نوجوان در زمین فوتبال، کودکان در پارک بازی و همیشه با نظارت بزرگسالانی که نزدیکشان هستند؛ درحالی‌که بسیاری از این تفکیک‌ها را می‌توان براساس فعالیت‌ها تعریف کرد، مانند اسکیت‌بازی، یا بازی کودکان. فضاهای دیگر پارک برای گروه‌های مختلف فرصتی را فراهم می‌کند تا با هم ملاقات کنند و به‌نوعی هویت خود را بسازند. در مجموع، به‌نظر می‌رسد که جوانان پارک، به‌جز «دورزدن» یا اسکیت‌بازی، کار خاص دیگری انجام نمی‌دهند. اینکه فعالیت معمولشان همین بود نشان می‌دهد که این یک جنبه حیاتی از فعالیت و رفتار اجتماعی جوانان در شهر است.



این تفکیک و فضاهای مجزا ممکن است در حکم تلاشی برای جلوگیری از تنش‌های مستقیم بین گروهی تفسیر شود، به‌ویژه با تجربه برخورد‌های شناخته‌شده قبلی. به‌نظر می‌رسد که گروه‌های سنی/قومی مختلف، بی‌هیچ نشانه‌ای از تعامل با یکدیگر، بیشتر اوقات همدیگر را نادیده می‌گیرند. گویا آن‌ها از حضور یکدیگر کاملاً آگاه بودند و با علم به عادات یکدیگر خود را با شرایط تطبیق می‌دادند.

تصادفی نیست که دو گروهی که بیشتر از این پارک استفاده می‌کردند (جوانان و می‌گساران/بی‌خانمان‌ها/بیکارها) شامل افرادی بودند که از تعدادی از مکان‌های گردهمایی مرکز شهر یا دل‌سرد بودند یا ورودشان به آن‌ها ممنوع بود، مکان‌هایی مانند مراکز خرید و کافی‌شاپ‌ها بابت قیمت‌هایشان یا به‌علت زیر سن قانونی بودن؛ بنابراین، گروه می‌گساران/بی‌خانمان‌ها/بیکاران معمولاً هم از پارک و هم از مسیر کنار کانال به‌عنوان مکان‌هایی برای معاشرت استفاده می‌کردند، به‌جای بخش‌های پرجمعیت‌تر مرکز شهر که معتقد بودند اگر در آن مکان‌ها به‌صورت گروهی جمع شوند، احتمالاً به جای دیگری رانده خواهند شد. همان‌طور که، در والتون کورت، جوانان نیز می‌توانستند از پارک برای «پاتوق کردن» استفاده کنند، به معاشرتشان برسند و گاهی نیز جایی دور از نگاه‌های خیره‌اولیا داشته باشند.

مقررات نیمکت‌ها (نیمکت‌ها و مقررات)

دومین تفکیکی که بسیاری از ناظران درباره آن اظهارنظر کردند در اطراف نیمکت‌های عمومی در جریان بود. برای استفاده از نیمکت‌های تعبیه‌شده در امتداد خیابان‌های بالا و در میادین، درمیان مردم مقدار مشخصی از خودگزینی وجود داشت. صندلی‌های اطراف درختان و زیر سایه‌بان‌ها به مردم این امکان را می‌داد که از نشستن در کنار هم خودداری کنند و افراد مختلفی، از جمله مردم عادی، برای کمی استراحت یا در انتظار کسی که داخل مغازه بود، از این نیمکت‌ها استفاده می‌کردند؛ همچنین پایین‌تر از خیابان نیمکت‌هایی بیرون یک فست‌فود وجود داشت. همان‌طور که انتظار داشتند این نیمکت‌ها را اغلب مشتریان، از جمله خانواده‌هایی با فرزندان خردسال، قرق می‌کردند، اما معمولاً توسط گروه‌هایی از جوانان [هم استفاده می‌شد]. مشاهده‌کنندگان گفتند، درحالی‌که بچه‌های مدرسه‌ای با لباس فرم اغلب روی نیمکت‌های زیر درختان می‌نشستند، هم‌سن‌وسال‌هایشان، که یونیفرم نداشتند، مایل بودند از نیمکت‌های خارج از فست‌فود استفاده کنند. تفکیک دو مجموعه از نیمکت‌ها در روزهای شنبه حتی بیشتر دیده می‌شد؛ طوری که جوانان معمولاً بدون توجه به اینکه در آنجا غذا می‌خورند یا نه، معمولاً، در اطراف نیمکت‌های خارج از فست‌فود جمع می‌شدند. در مرکز خرید نیز روند مشابهی مشاهده شد:

آب‌نما، به‌عنوان محلی برای انتظار کشیدن، فضایی است که افراد زیادی روی لبه آن نشسته‌اند، اما فاصله خود را از یکدیگر حفظ می‌کنند، به‌طور متوسط، حدود دو متر بین هر نفر. آیا این فاصله عمدی است؟ در متراژ، فضا در نظر گرفته شده است؟ زن و شوهری می‌نشینند و ساندویچ می‌خورند و گپ می‌زنند؛ آیا در استراحت ناهار خود هستند؟ مردم می‌نشینند و از تلفن استفاده می‌کنند. به‌نظر این فضا محل ملاقات نیز باشد. کسی مشغول صحبت نیست، مگر اینکه همراهی داشته باشد. تعداد افرادی که رو به مرکز نشسته‌اند بیشتر از کسانی است که رو به دیوارند. [...] همه نیمکت‌ها اشغال شده‌اند – اکثراً فقط دو نفر روی آن‌ها نشسته‌اند – و چقدر جالب که هیچ‌کس در فضای خالی نیمکت‌ها نمی‌نشیند! بیشتر افراد مسن‌اند که در حال استراحت روی نیمکت‌ها نشسته‌اند؛ روز خرید است. روی چند نیمکت بزرگ سالان جوان نشسته‌اند؛ ساعت ناهار؟ این

فضا غلغله است؛ افراد زیادی در اطراف قدم می‌زنند و سرگردان‌اند — کسی عجله ندارد — نگهبانان امنیتی به آرامی دوبه‌دو فقط در آنجا گشت می‌زنند و مزاحم کسی نمی‌شوند. چرا نیمکت‌های دوفره‌ بیشتری نیست؟ (مرکز خرید، ۱۰ اوت، ۱۳۳۰-۱۳۳۰)

جدا کردن خود از دیگران یکی از ابزارهایی است که افراد از طریق آن روابط اجتماعی را در مکان‌های عمومی مدیریت می‌کنند تا در تعامل با دیگران و نیاز به فضای شخصی ترجیحات خود را منعکس کنند. اگر فضاهای عمومی تا حد ممکن همه را در بر بگیرند و به افراد اجازه دهند در کنار دیگرانی باشند که شبیه به خودشان یا متفاوت با آن‌ها هستند، تفکیک خود از دیگران ممکن است بیش از آنکه به‌عنوان چالشی برای توسعه جامعه دیده شود، به‌منزله فرآیند هویت‌آفرینی و نوعی رفتار ذاتی انسانی تلقی گردد.



میدان شهر: نیمکت مدور

نتیجه‌گیری

همگانی بودن اماکن عمومی محتمل است و وابسته به شرایط مختلفی است. مشاهدات نشان داده‌است که یک مکان هرچقدر هم که «عمومی» باشد، دسترسی به آن برای شما تا حد زیادی بستگی به این دارد که، به‌لحاظ سن، موقعیت و گاهی اوقات جنسیتتان، چه کسی هستید؛ همچنین اینکه چه زمانی از روز است. به این علت که در آن زمان چه کسی ممکن است در اطراف باشد یا نباشد و چه خدماتی در دسترس شما خواهد بود؛ آیا می‌توانید با اتوبوس به خانه برگردید؟ به همین علل، افراد مسن و کودکان، به‌خصوص در ساعات خاصی از روز، احساس درحاشیه‌بودن یا طردشدن می‌کنند.



برخی از افراد، به علت انتظارات عمومی دیگران یا مدیریت رسمی یا غیررسمی این فضاها، ممکن است احساس کنند به برخی از فضاهای عمومی خاص تعلق ندارند و این فضاها جای آن‌ها نیست. مثلاً می‌توان به جوانانی از محله‌های دیگر اشاره کرد که، در اطراف فرورد لیس و ولتون کورت، بی‌هدف پرسه می‌زنند یا می‌گساران خیابانی در مراکز خرید یا کودکان خردسال بدون همراه در هر یک از فضاهای مرکز شهر - پذیرفتن اینکه در مکان مناسبی قرار بگیریم می‌تواند به حضور در فضایی عمومی در مناطقی کوچک‌تر تعمیم یابد؛ برای مثال، جدا کردن خود از دیگران در فرآیندهای پیچیده‌ای در پارک ویل که در بالا توضیح داده شد.

در مانیفست فضایی سی‌ای‌بی‌ای^{۱۱}، آمده است که «فضاهای عمومی مانند «چسبی» هستند که جامعه را به هم متصل نگه می‌دارند؛ مکان‌هایی که در آن با افراد مختلف ملاقات می‌کنیم، تجربیاتمان را در میان می‌گذاریم و یاد می‌گیریم که به یکدیگر اعتماد کنیم.» (سی‌ای‌بی‌ای، ۲۰۰۴، ص ۵) مردم، علاوه بر استفاده هدفمند از اماکن عمومی — برای خرید، اوقات فراغت و... — و همچنین استفاده از آن‌ها به عنوان مکانی برای مواجهه با افراد و رویدادهای دیگر (آشنا و ناآشنا)، از فضاهای عمومی برای حفظ حضور خود نیز به‌منزله بخشی از موجودیت اجتماعی شهر یا محله استفاده می‌کنند؛ با این حال، این مطالعه نشان می‌دهد که جامعه‌ای که اعضای آن در کنار هم نگه داشته می‌شوند جامعه‌ای طبقه‌بندی شده است که در آن برخی از گروه‌ها معمولاً بر گروه‌های دیگر برتری دارند؛ درحالی که گروه‌های دیگر سعی می‌کنند در عرصه عمومی خودی نشان بدهند. تجمع جوانان در مرکز خرید، علی‌رغم ممنوعیت، نمونه‌ای از این موارد بود؛ به‌هرصورت، تشویق یا ممانعت از حضور عمومی افراد مختلف به‌شدت تحت تأثیر نحوه مدیریت و طراحی فضاهای عمومی است.

درحالی که جست‌وجوی علل و پیامدهای یک جامعه طبقه‌بندی شده خارج از محدوده این مطالعه است، این تحقیق نشان می‌دهد که، درمورد استفاده از فضای عمومی، شمول عام در مکان‌های عمومی مستلزم توجه سیاست‌گذاران به روابط قدرت در تدوین سیاست است. از نظر انسجام و شمول عام اجتماعی، بهتر است گاهی اوقات همه مردم و از آن جمله همه گروه‌های سنی را خشنود کنیم، به‌جای اینکه همیشه به عده‌ای در مقابل عده‌ای دیگر امتیاز بدهیم، مثلاً به بزرگسالان فعال تجاری.

¹¹ CABE: Chartered Association of Building Engineers